

بررسی تطبیقی «مرگ» در اشعار مولانا و هنری وان

بر اساس نظریه‌ی حرکت جوهری ملاصدرا

نرگس باقری*

محمدنبی تولایی**

چکیده

مسئله‌ی مرگ از موضوعات اصلی مورد توجه اکثر شاعران و فیلسوفان جهان بوده و هست. شاعران عارف مسلکی مانند مولانا در شعر فارسی و هنری وان در شعر انگلیسی در اشعار خویش بسیار به این مسئله پرداخته‌اند. آنها نه تنها مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند بلکه آن را دریچه‌ی آغاز زندگی جاودانه معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلام و ایران نیز مرگ را رهایی از بند جسم می‌داند چرا که بشر بنا بر حرکت جوهری به پیوند با ذات لایزال الهی گرایش دارد. بنا بر اعتقاد عارفان و سالکان، بهتر است که فرد قبل از مرگ جسمی با قطع تعلقات جسمانی، مرگ عرفانی را تجربه نماید تا هم راحت‌تر با آن کنار بیاید و هم زودتر به ذات لایزال الهی که غایت اوست بپیوندد. پژوهش حاضر به بررسی توصیفی-تحلیلی اشعار مولانا و هنری وان بر اساس آراء ملاصدرا در ارتباط با مسئله‌ی مرگ می‌پردازد و نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه این سه نفر در دوره‌های تاریخی، زبانی و جغرافیایی دور از هم می‌زیسته‌اند اما دارای عقاید شخصی و مذهبی مشترکی هستند.

واژگان کلیدی: تصوف، مرگ، ملاصدرا، مولانا، هنری وان

1. مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی و البته واقعیت‌های انکارناپذیر زندگی بشر مسئله‌ی مرگ است چرا که ذات بشر میل به جاودانگی دارد و از نابودی و فنا گریزان است. هم شعرا و عرفا و هم فلاسفه در

* nargesbagheri@khu.ac.ir

* کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی

** mn.tavallaee@gmail.com

** دکترای ادبیات انگلیسی، استادیار دانشگاه ارومیه

باب این مسئله بسیار اندیشیده‌اند. در این میان، عارفان اهل تصوف در صددند تا جهت کنار آمدن با مسأله‌ی مرگ جسمانی راه حلی بیابند. آنها با یک راه حل معنوی یعنی رهایی از بند تعلقات دنیوی و مرگ عرفانی و به آرامش رساندن جسم، خود را آماده‌ی رویارویی با این امر ناگزیر می‌کنند. مسأله‌ی مرگ، موضوع مورد بحث مشترک بین تمام ادیان است و آنها مرگ را دریچه‌ای از جهان مادی به جهان معنوی معرفی می‌کنند. در راستای این نظریات در ادبیات مادی‌گرایی، مرگ پایان همه چیز است اما دین اسلام و مسیحیت با این عقیده کاملاً مخالف و به ادامه‌ی حیات در جهان دیگر معتقدند.

صدرالمتالهین شیرازی حکیم و فیلسوف ایرانی از منظر وجودشناسانه، مسأله‌ی مرگ را مورد بحث و بررسی قرار داده و با تکیه بر اصول حکمت متعالیه، مبانی اصالت وجود، حرکت جوهری ارادی، حدوث جسمانی و بقای روحانی، سیر استکمال نفس را تبیین نموده است. ملاصدرا مرگ را «امری وجودی می‌داند که هرگز به معنای نابودی و عدم نیست. مرگ امری طبیعی است که منشأ آن اعراض نفس از عالم محسوسات و توجه به خداوند و ملکوت اوست نه آن امری که به کلی او را نابود کند» (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۸۱).

مولانا، شاعر و عارف بنام ایرانی نیز در اشعار بسیاری به موضوع مرگ پرداخته که شباهت بسیاری با اندیشه‌ها و نظریات فیلسوفان مسلمان از جمله ملاصدرا دارد. شاعر دیگری هم که بسیار به این مهم پرداخته، شاعر معروف ولزی، هنری وان است. اگر چه این دو شاعر عارف مسلک در دوره‌های زمانی و همچنین مذهب، فرهنگ و زبان متفاوت و دور از هم می‌زیسته‌اند اما بررسی آثارشان نشان می‌دهد که در ارتباط با مسأله‌ی مرگ دارای عقاید مشابهی هستند. نکته‌ی قابل توجه دیگر، شباهت اندیشه‌های آنها با فیلسوفی مسلمان (ملاصدرا) است که امکان آشنایی و قرابت این افراد با هم دور از ذهن می‌نماید و همین مسأله بر جذابیت و اهمیت بررسی این موضوع می‌افزاید.

2. پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون مقالات گوناگونی به بررسی مرگ از دیدگاه ملاصدرا پرداخته‌اند از جمله مقاله‌ی «مرگ از منظر ملاصدرا» (۱۳۸۶) که نظریات ملاصدرا راجع به مرگ را واکاوی می‌نماید و شرح می‌دهد که ملاصدرا نه تنها مرگ را نابودی نفس نمی‌داند بلکه این پدیده‌ی حتمی و اجتناب ناپذیر را حرکت رجوعی نفس به غایتش معرفی می‌کند. مقاله‌ی «ملاصدرا و مسئله‌ی مرگ» (۱۳۹۵) نیز به تبیین مبانی فلسفه‌ی ملاصدرا همچون حرکت جوهری، روابط نفس و بدن، طبیعی بودن مرگ، فناپذیری انسان با مرگ و استکمال نفس با مرگ می‌پردازد. مورد دیگر مقاله‌ی «نقد دیدگاه صدرالمتالهین در باب مرگ انسان با تکیه بر آراء ابن سینا» (۱۳۹۳) است که به بررسی و مقایسه‌ی دیدگاه ملاصدرا و ابن‌سینا راجع به مرگ می‌پردازد. از نظر ابن‌سینا مرگ، «بر هم خوردن اعتدال مزاجی و ضایع شدن بدن به واسطه‌ی استیلای حرارت غریزی بر بدن» است اما ملاصدرا مرگ را «کمال انسان و روگردانی نفس از بدن جسمانی» می‌داند که این حالت در خور مرگ ارادی و عرفانی است نه مرگ اخترامی.

از سوی دیگر مقالات انگلیسی زبان بسیاری نیز در ارتباط با اشعار و عقاید هنری وان نگاشته شده و مسئله‌ی مرگ را مورد بررسی قرار داده‌اند. از مقالات مرتبط با پژوهش حاضر مقاله‌ی «عرفان هنری وان» (۱۹۶۷) می‌باشد که استدلال می‌کند هدف نهایی اشعار هنری وان، ایجاد پیوند و یکپارچگی روح (نفس، جان) با خالق خویش است. در مقاله‌ی دیگری به نام «اعتذار برای تاریکی» (۱۹۶۷) نویسنده اعتقاد دارد که اصطلاحات نور و تاریکی، واژگان قالب اشعار هنری وان هستند که به طور نمادین به هدف برجستگی نور در زمینه‌ی سیاه انتخاب شده‌اند. انتخاب خداوند همراه با شادی، نور، بهشت و زندگی است و تاریکی همراه با شیطان، لعنت، بدبختی. همچنین، هنری وان در اشعارش بریدن از جهان مادی و رسیدن به نور واقعی و نزدیکی نهایی به بارگاه الهی را تنها راه رستگاری معرفی می‌کند.

۳. چارچوب نظری: مبانی فلسفی ملاصدرا